◆ یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۵ ◆ شماره ۲۱۷۰ ◆ سال نهم ◆ ۲۳ شوال ۱۴۴۷ ◆ ۱۲ آپریل ۲۰۲۶ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

# اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران

تعدیلات پس از تعطیلات

## خانواده های کارگران دور سفره نگرانی

صفحه ۳

همزمان با آغاز مذاکرات ایران و آمریکا بررسی شد

# جهان خیره به مذاکرات اسلام آباد

همزمان با آغاز آغاز مذاکرات ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، تداوم حملات اسرائیل به جنوب لبنان، فضای گفت‌وگوها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ همزمان تهران با تشدید رایزنی‌های دیپلماتیک، تلاش دارد شروط خود از جمله تثبیت آتش‌بس و تعیین تکلیف تنگه هرمز را به محور اصلی مذاکرات تبدیل کند.

بامداد ۱۹ فروردین بود که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با صدور بیانیه‌ای از آتش‌بس دو هفته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا خبر داد. روز ۲۲ فروردین چهار روز پس از وضع آتش‌بس موقت، هیات‌های ایرانی و آمریکایی در اسلام‌آباد به میانجی‌گیری پاکستان پای میز مذاکره نشستند.

شرح در صفحه ۲

با وجود شرایط بحران

## گردشگری ایران تحت مدیریت یکپارچه و کنترل‌شده پیش می‌رود

صفحه ۳

سه‌گانه تلخ تورم، کاهش رشد اقتصادی و ناامنی غذایی در دنیا

## زخمِ کاریِ جنگ بر پیکرِ اقتصاد جهان

صفحه ۴

سناریوهای قیمت نفت در سایه محدودیت تردد در تنگه هرمز

## اقتصاد جهان به سمت رکود حرکت می‌کند

صفحه ۲

چگونه معامله‌گران ترامپ سیاست خارجی آمریکا را به بن‌بست کشاندند؟

## مهمانی بالماسکه یا تانگوی دونفره

صفحه ۳

## سخن نخست

به‌قلم: محمد مهدی سیدناصری

### مینـاب؛ گورستان کنوانسیون حقوق کودکان

به نام غنچه‌های سرخ میناب، جانم فدای تک تک پسران و دختران کوچک مدرسه میناب..

فاجعه‌ی مدرسه‌ی شجره طیبه در میناب در روزهای ابتدایی جنگی که از سوی ایالات متحده و اسراییل علیه حاکمیت و تمامیت ارضی ایران عزیزمان آغاز شد، به‌سرعت به تیتر اول رسانه‌های جهانی تبدیل و موجب محکومیت گسترده شد. با این حال، صرفِ محکومیت نمی‌تواند جان‌های از دست‌رفته را بازگرداند؛ بلکه تنها بر پرونده‌ای فزاینده از نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی و بی‌اعتنایی نظام‌مند به حمایت از غیرنظامیان به‌ویژه کودکان می‌افزاید.

ادامه در صفحه ۲

## اخبار

### روایت رسانه پاکستانی از موضوعات اختلافی در مذاکرات ایران و آمریکا

یک رسانه پاکستانی نوشت: انتظار دستیابی سریع به یک پیشرفت بزرگ در مذاکرات میان ایران و آمریکا وجود ندارد، اما احتمال ادامه مذاکرات وجود دارد که می‌تواند به تمدید آتش‌بس نیز منجر شود.

به گزارش مهر به نقل از جیونیوز، مذاکرات اسلام‌آباد میان ایالات متحده آمریکا و ایران با میزبانی پاکستان برگزار می‌شود. هدف این گفت‌وگوها پیشبرد روند یک آتش‌بس شکننده و بررسی مسیرهای دستیابی به یک توافق گسترده‌تر است.

این مذاکرات حول دو پیشنهاد متقابل شکل گرفته است. ایران یک چارچوب ۱۰ ماده‌ای ارائه کرده، در حالی که در مقابل، آمریکا طرحی ۱۵ ماده‌ای پیشنهاد داده است. با وجود اعلام آمادگی هر دو طرف برای گفت‌وگو، اختلافات قابل توجهی همچنان پابرجاست.

محور اصلی این مذاکرات برنامه هسته‌ای ایران است. واشنگتن خواستار تضمین‌های قوی است که تهران به دنبال توسعه سلاح هسته‌ای نخواهد رفت؛ این خواسته شامل محدودیت‌های سختگیرانه بر غنی‌سازی اورانیوم و نظارت شدید از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز می‌شود. در مقابل، ایران به رسمیت شناختن حق فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی، را خواستار است و آن را مسئله‌ای مرتبط با حاکمیت ملی خود می‌داند.

تحریم‌های اقتصادی نیز یکی دیگر از مسائل کلیدی است. ایران خواهان لغو فوری و کامل تحریم‌های آمریکا و سایر تحریم‌های بین‌المللی و همچنین بازگشت دارایی‌های مالی مسدودشده خود در خارج از کشور است. موضع آمریکا در این زمینه متفاوت است و از کاهش تدریجی تحریم‌ها در ازای اجرای قابل راستی‌آزمایی تعهدات هسته‌ای و امنیتی ایران حمایت می‌کند.

کنترل و دسترسی به تنگه هرمز، که از نظر راهبردی اهمیت بالایی دارد، نیز یکی از نقاط اختلاف اصلی است. ایران خواهان به رسمیت شناخته شدن رسمی نقش تنظیم‌گر خود در این گذرگاه است و به اهمیت جغرافیایی و اقتصادی آن اشاره می‌کند. در مقابل، آمریکا با توجه به اهمیت این تنگه برای تأمین جهانی انرژی، بر باز بودن کامل و امن مسیرهای دریایی بین‌المللی بدون هیچ محدودیتی تأکید دارد.

نفوذ منطقه‌ای نیز موضوعی حساس است. واشنگتن بر پایان حمایت ایران از گروه‌های مسلح متحد در خاورمیانه تأکید دارد، در حالی که ایران خواستار توقف عملیات نظامی علیه این گروه‌ها و کاهش گسترده‌تر تنش‌ها در منازعات منطقه‌ای است.

ایران همچنین خواستار خروج نیروهای آمریکایی از منطقه و ارائه تضمین رسمی عدم تجاوز شده است. آمریکا با اشاره به تعهدات امنیتی خود نسبت به متحدانش، آمادگی برای کاهش نقش نظامی خود را نشان نداده است.

یکی دیگر از مسائل مورد اختلاف، برنامه موشک‌های بالستیک ایران است. آمریکا به دنبال محدود کردن توسعه موشکی و توانمندی‌های دفاعی گسترده‌تر ایران است، در حالی که ایران چنین درخواست‌هایی را محدودکننده حق دفاع خود می‌داند.

تهران همچنین موضوع جبران خسارات ناشی از جنگ اخیر را مطرح کرده است، در حالی که انتظار می‌رود آمریکا بر پاسخگویی در قبال حملات به منافع خود و متحدانش تأکید کند.

با نزدیک شدن به پایان دوره دو هفته‌ای آتش‌بس، منابع اذعان دارند که پیشرفت‌ها احتمالاً به‌صورت مرحله‌ای حاصل خواهد شد و با اقدامات اعتمادساز از سوی هر دو طرف آغاز می‌شود. اگرچه انتظار دستیابی سریع به یک پیشرفت بزرگ وجود ندارد، اما به گفته منابع، احتمال ادامه مذاکرات وجود دارد که می‌تواند به تمدید آتش‌بس نیز منجر شود.

چگونه معامله‌گران ترامپ سیاست خارجی آمریکا را به بن‌بست کشاندند؟

# مهمانی بالماسکه یا تانگوی دونفره

در یادداشت پیش‌رو دو گزارش انتقادی در رابطه با سیاست خارجی دولت ترامپ به طور خاص و نیز سیاست خارجی دولت ایالات متحد به‌طور کلی، از نشریه‌های فارن پالیسی و واشینگتن‌پست ارائه شده است.

به گزارش اکوایران، نشریه فارن پالیسی یادداشتی تحلیلی با عنوان «مشکل آمریکا با دیپلماسی پیش از ترامپ نیز وجود داشت؛ ویتکاف و کوشنر صرفاً نوک کوه یخ هستند» در رابطه با سیاست خارجی ایالات متحد نوشت. هرچند این یادداشت لحن انتقادی در قبال سیاست خارجی دولت ترامپ و به‌ویژه نقش ویتکاف و کوشنر در آن دارد، اما مشکل سیاست خارجی ایالات متحد را فراتر از این یا آن شخص یا دولت می‌بیند و نگاهی تاریخی به آن دارد.

در ادامه و در همین رابطه اکوایران مطلب دیگری نیز از نشریه واشینگتن پست با عنوان «مسیر خروج از جنگ ایران به یک هزارتوی دیپلماتیک تبدیل شده است: این جنگ بدون راهبردی برای پیروزی آغاز شد؛ صلح نیز فرمولی ندارد». را به‌طور مختصر ارائه می‌دهد.

### نوک کوه یخ؛ بدنام‌ترین زوج دیپلماتیک آمریکا

به نوشته فارن پالیسی، با اعلام آتش‌بس دو هفته‌ای با ایران در واپسین لحظات سه‌شنبه شب، بدنام‌ترین زوج دیپلماتیک آمریکا آماده‌اند تا بار دیگر در مذاکرات جاری در پاکستان در کانون توجه قرار گیرند. جرد کوشنر، داماد ترامپ و استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت ایالات متحده نقش مهمی در سیاست خارجی این دولت داشته‌اند و در ادعای رئیس‌جمهور ایالات متحد، دونالد ترامپ، برای حل منازعات باقی‌مانده در سرتاسر جهان از طریق میانجی‌گری نقش محوری را ایفا کرده بودند.

با این همه، در عمل، آن‌ها تا حد زیادی ناموفق بوده‌اند؛ واقعیتی که اغلب به کم‌تجربگی نسبی آن‌ها در دیپلماسی نسبت داده می‌شود. در واقع، داماد ترامپ و دوست او هر دو سرمایه‌گذاران حوزه املاک هستند و برای مدیریت ادغام‌های تجاری مناسب‌ترند، تا مسائل پیچیده‌ای مانند گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جنگ و صلح. اما کوشنر و ویتکاف و به طور کلی‌تر رویکرد ترامپی به دیپلماسی، صرفاً نوک کوه یخ در مورد مشکلات دیپلماتیک آمریکا به شمار می‌روند. تا زمانی که سیاست‌گذاران نتوانند تفکر انعطاف‌پذیر را با تخصص پیوند دهند، آمریکا احتمالاً در یک بن‌بست دیپلماتیک در جا خواهد زد.

آنچه آشکار شده این است که ویتکاف و کوشنر، علی‌رغم عزم سرسختانه‌شان برای اجرای دستور ترامپ در ادعای دستیابی به صلح در کشمکش‌های پیچیده جهان، برای این کار مناسب نیستند. هیچ‌یک تجربه قابل‌توجهی در دیپلماسی ندارند، حوزه‌ای که از بسیاری جهات با دنیای املاک و ادغام‌های تجاری متفاوت است. بدتر از آن، هر دو به نظر می‌رسد که درگیر روابط مالی و شخصی‌ای هستند که چه‌بسا توانایی آن‌ها را برای عمل به‌عنوان مدافع منافع آمریکا پیچیده کند؛ از معاملات سرمایه‌گذاری در کشورهای خلیج فارس گرفته تا ارتباطات شخصی و تجاری در اسرائیل.

هر دو همچنین برای مدیریت مسائل پیچیده دیپلماتیک نامناسب به نظر می‌رسند؛ به‌ویژه ویتکاف به بی‌اعتمادی نسبت به تخصص شناخته می‌شود. برای ویتکاف و کوشنر، گرفتاری اصلی این نیست که خودشان تخصص ژرفی در مسائل سیاست خارجی مورد مذاکره ندارند، بلکه این است که تمایلی به تشکیل تیمی که بتواند آن‌ها را راهنمایی و پشتیبانی کند، نیز نشان نمی‌دهند. گرفتاری مشابهی مذاکرات اوکراین را نیز دچار خود کرده است؛ مذاکراتی که در مسائل مربوط به تبادل سرزمینی گیر افتاده‌اند؛ مسائلی که لزوماً بازتاب‌دهنده خواسته‌ها یا نیازهای هیچ‌یک از طرف‌های درگیر نیست. گویا تمرکز عمیق بر سرزمین بیشتر بازتاب پیشینه املاک مذاکره‌کنندگان باشد تا تمرکز خاصی بر خود درگیری یا علل آن.

### فراتر از املاکی یا دیپلمات بودن؛ گرفتاری‌ای تاریخی فراتر از افراد

اصلاح دیپلماسی ایالات متحد به سادگیِ جایگزین کردن افراد بهتری به جای ویتکاف و کوشنر نخواهد بود. دیپلماسی در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای از سوی دولت‌های گوناگون آمریکا مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. حتی پیش از تضعیف وزارت خارجه و نهادهای مرتبط در دوران ترامپ، این نهادها زمان زیادی را صرف دیپلماسی، به‌ویژه با دولت‌های غیرهمسو یا موضوعات دشواری مانند کنترل تسلیحات، نمی‌کردند و بیشتر بر فرآیندها، تعامل با متحدان و روابط عمومی تمرکز داشتند.

از این روی، گرفتاری دو جنبه دارد: دیپلماسی بیش از حد شخصی‌سازی‌شده و کم‌اطلاع کوشنر و ویتکاف که نشان‌دهنده نیاز به تخصص بیشتر و پشتیبانی نهادی است؛ و تمرکز بیش از حد بر فرآیند، مدیریت اتحادها و مذاکرات «ایمن» به‌جای دیپلماسی واقعی با دولت‌های رقیب. ، راه‌حل‌های این دو گرفتاری در جهت‌های متفاوتی اشاره می‌کنند.

### جی.دی. ونس دیپلمات نیست، ولی چه‌بسا از دیپلمات‌ها بهتر باشد

در حال حاضر، اولویت باید مذاکرات برای پایان دادن به جنگ در ایران باشد. این آخر هفته شاهد مذاکراتی با مخاطراتی بسیار در پاکستان میان ایالات متحد و مذاکره‌کنندگان ایرانی خواهیم بود. شش هفته جنگ

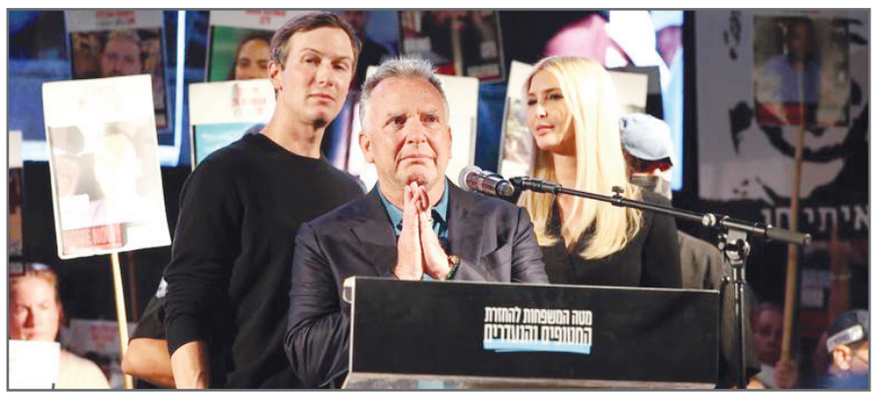

باعث اختلالات گسترده و مداوم در اقتصاد جهانی شده، سهمیه‌بندی سوخت را در بخش‌هایی از آسیا ایجاد کرده و موجب مرگ و ویرانی در سرتاسر خلیج فارس شده است. ازسرگیری جنگ به سود هیچ‌کس نیست و بااین‌همه همچنان بسیار بعید است که ویتکاف و کوشنر بتوانند به توافقی قابل پذیرش با ایرانی‌ها دست یابند.

در واقع، در کمتر از یک سال برای دومین بار است که ویتکاف و کوشنر به‌گونه فعال در مذاکرات با ایرانی‌ها آنگاه وارد شده‌اند که بمب‌ها هم فرود آمدن گرفتند. جای شگفتی نیست که این دو نفر در تهران به‌سان مذاکره‌کنندگانی معتبر یا طرف‌های گفت‌وگوی صادق دیده نمی‌شوند. بنابراین، تصمیم دولت برای اعزام معاون رئیس‌جمهور جی.دی. ونس تصمیم خوبی است. ونس در پشت صحنه در دیپلماسی با همتایان ایرانی خود فعال بوده و از همان ابتدا، هرچند به‌طور آرام، با جنگ مخالفت کرده است. او در دیپلماسی تازه‌کار است و احتمالاً در یافتن زمینه مشترک با تهرانِ بی‌اعتماد با دشواری روبه‌رو خواهد شد، اما هم چنان کم‌تر احتمالش هست که اختیار تام به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، بدهد و بیشتر احتمال دارد که در یک فرآیند واقعی مذاکره که مبتنی بر تخصص است، مشارکت کند.

بااین‌حال، این گرفتاری دیپلماسی آمریکایی ریشه در این دارد که هنوز دولتی پیدا نشده که بتواند گشودگی و تفکر انعطاف‌پذیر را با تخصص پیوند دهد. اگر ایالات متحد بخواهد دیپلماسی خود را برای دوران پیچیده سیاست چندقطبی بازسازی کند، دولت‌های آینده باید درس‌های دیپلماتیک گذشته را دوباره بیاموزند.

### یک «سراب درخشان»

به گزارش نشریه واشینگتن‌پست، دیپلمات‌ها ابهام را دوست دارند؛ اما درحالی‌که فرستادگان ترامپ تلاش می‌کنند یک توافق آتش‌بس دائمی را برای جنگ ایران تنظیم کنند، به قطعیت درباره یک مورد اساسی نیاز خواهند داشت: گذر امن از تنگه هرمز. تا اینجا، این موضوع بیشتر شبیه یک سراب درخشان به نظر می‌رسد.

ترامپ صبح زود روز چهارشنبه درباره آتش‌بس شکننده کنونی، با همان نوع لحن اغراق‌آمیز ابراز شادی می‌کرد که یک روز قبلش در اولتیماتوم خود به کار برده بود؛ اولتیماتومی که در آن گفت: «اگر ایران تسلیم نشود و تنگه را باز نکند، یک تمدن کامل نابود خواهد شد.» یک روز بعدش اما اعلام کرد: «این می‌تواند عصر طلایی خاورمیانه باشد!!!» و در ایران «پول‌های کلانی به دست خواهد آمد.»

اما به این سرعت نیست. و در عمل تنگه به‌طور کامل باز نشده است؛ و بلافاصله پس از پست ترامپ رئیس مجلس ایران تهدید کرد که تهران ممکن است از مذاکرات خارج شود. جنگی که بدون راهبردی روشن برای پیروزی آغاز شده بود، به نظر می‌رسید—شاید به‌طور اجتناب‌ناپذیر—به پایانی نزدیک می‌شود که فاقد فرمولی برای صلح است.

### مه غلیظی از دیپلماسی؛ مهمانی بالماسکه یا تانگوی دونفره؟

چگونه به اینجا رسیدیم؟ بخشی از آن به ابهام محبوب دیپلمات‌ها بازمی‌گردد. ترامپ اعلام کرد که پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای ایران «مبنایی قابل‌کار برای مذاکره» است. ایران گفت که در حال «بررسی» یک طرح صلح ۱۵ ماده‌ای از سوی ایالات متحد است. این دو مجموعه پیشنهاد به‌طور اساسی متفاوت‌اند، اما اهمیتی ندارد: ترامپِ خسته از جنگ مدت‌ها بود که درخواست ۶ مارس خود برای «تسلیم بی‌قید و شرط» را رها کرده بود.

مه غلیظی از دیپلماسی در اینجا حاکم است. اما مقاماتی که به مذاکرات نزدیک هستند، برخی اصول اولیه را توضیح دادند. پاکستان، با حمایت چین، رهبری یک ائتلاف جهانی رو به گسترش را بر عهده داشته که طی ۱۰ روز چارچوبی برای حل‌وفصل تدوین کرده است. پاکستان به آن دلیل به‌عنوان میانجی مطرح شد که با بیشتر بازیگران کلیدی روابط خوبی دارد؛ قطعاً با ایالات متحد و ایران، اما هم‌چنین با چین، ترکیه، سعودی و امارات متحد عربی. چنین گفته می‌شود که اسلام‌آباد دیپلماسی را بیش‌تر همچون یک مهمانی بالماسکه می‌بیند تا یک تانگوی دونفره؛ و دیپلمات‌های آن گاهی به‌طرزی آزاردهنده در هنر ابهام مهارت دارند.

بااین‌همه، ابتکار ۳۱ مارسِ چین و پاکستان «برای بازگرداندن صلح و ثبات در خلیج [فارس]» یک نشانه اولیه دیپلماتیک بود؛ هرچند چندان مورد توجه قرار نگرفت. این ابتکار که به گفته مقامات در تماس تلفنی ۱۶ مارس میان ترامپ و رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، مطرح شد، یک دستورکار ساده برای صلح ارائه کرد: توقف خصومت‌ها، آغاز مذاکرات صلح و—چه‌بسا مهم‌تر از همه—«امنیت خطوط کشتیرانی.» مطابق اعلام وزارت خارجه پاکستان، ابتکار چین-پاکستان پس از تلاش مشابهی از سوی وزیر خارجه ترکیه، هاکان فیدان، مطرح شد که در اسلام‌آباد با دیپلمات‌هایی از پاکستان، سعودی و مصر برای «رایزنی درباره تلاش‌ها برای کاهش تنش در منطقه» دیدار کرد. درخواستی مشابه برای اقدام جمعی جهت بازگشایی تنگه از سوی ۴۶ وزیر پیشین دولت‌ها، که گروه بین‌المللی بحران آن‌ها را سازمان‌دهی کرده بود، نیز مطرح شد. آن‌ها پیشنهاد خود را بر اساس ابتکار دریای سیاه در سال ۲۰۲۲ مدل‌سازی کردند که در بحبوحه جنگ روسیه و اوکراین به بازگشایی مسیرهای کشتیرانی انجامید.